



Class Consciousness in the Novels "Cell 18" by Ali Ashraf darvishian And "Beirut Mills" by Tawfiq Youssef Awad

Prof. Dr. Raheem M. Jaber Al-atab

Department of Persian Language , University of Baghdad, College of Languages

Email: draheem2004@colang.uobaghdad.edu.iq

Dr. Masoumeh Taghizadeh

Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran, Faculty of Literature and Humanities. ,

Email: masometaghizadeh@ut.ac.ir

Received Dec.3, 2025

Revised Dec 3, 2025

Accepted Dec.4. 2025

Online Jun.1, 2026

ABSTRACT

. The research deals with the Issue of Class consciousness, Class consciousness is a term used in literary sociology criticism and is one of the categories related to structuralism that Lucien Goldman has paid special attention to. He considers three types of consciousness: real consciousness, possible consciousness, and false consciousness. The novel Cell 18 by Ali Ashraf darvishian and the novel " Beirut Mills " by Lebanese writer Tawfiq Youssef Awad are political and social novels dominated by the realist approach, and they express political issues and social problems of Iranian and Lebanese societies and the process of forming class consciousness.

The aim of this research, based on the foundations of Lucien Goldman's theory and the frameworks of comparative literature of the American school, attempts to examine the reflection of class consciousness in these two novels. The results of the research show that class consciousness in Iranian and Lebanese societies.

Finally, Despite the obstacles that false awareness and internal and external factors have created in the path of its realization, it has reached its peak at a stage in the history of both countries and has borne fruit in the form of the revolution of the Iranian people against the authoritarian government, as well as peaceful ethnic and religious coexistence in Lebanon.

Keywords: Structuralism, Class Consciousness, Comparative Literature, Ali Ashraf darvishian, Tawfiq Youssef Awad.

الوعي الطبقي في روايتي «الزنزانة ١٨» لعلي أشرف درويشي و«طواحين بيروت» لتوفيق يوسف عواد

أ.د. رحيم مزهر العتابي

قسم اللغة الفارسية/ كلية اللغات/ جامعة بغداد

draheem2004@colang.uobaghdad.edu.iq

م.د. معصومة تقى زاده

قسم اللغة قسم اللغة العربية و آدابها في كلية الآداب و العلوم الانسانية بجامعة طهران

Email: masometaghizadeh@ut.ac.i

المخلص

الوعي الطبقي هو مصطلح يُستخدم في النقد الأدبي السوسيولوجي، ويرتبط بمفاهيم البنيوية التي تناولها المنظر البنيوي لوسيان غولدمان باهتمام خاص ، إذ قسّمه إلى ثلاثة أنماط: الوعي الحقيقي، والوعي الممكن، والوعي الزائف. في هذا السياق ، تسعى هذه الدراسة إلى تحليل تمثّلات الوعي الطبقي في روايتين بارزتين من الأدب الواقعي السياسي والاجتماعي هما: الزنزانة ١٨ للكاتب الإيراني علي أشرف درويشي، وطواحين بيروت للروائي اللبناني توفيق يوسف عواد ، هما روايتان ذات طابع سياسي واجتماعي يهيمن عليهما الاتجاه الواقعي ، وتتناولان القضايا السياسية والمشكلات الاجتماعية في كلّ من إيران ولبنان ، إلى جانب مسار تشكّل الوعي الطبقي. يعتمد هذا البحث على أسس نظرية لوسيان غولدمان، وفي إطار المدرسة الأمريكية في الأدب المقارن، ويسعى إلى تحليل انعكاسات الوعي الطبقي في هاتين الروايتين. تعكس الروايتان في بنائهما ومضامينهما قدرة الأدب على تمثيل التحولات الاجتماعية والسياسية، وتُظهران كيف يشكّل الأدب وسيلة لفهم جدلية السلطة والطبقة والوعي الجمعي. وتشير نتائج هذه الدراسة إلى أن الوعي الطبقي في كلّ من المجتمعين الإيراني واللبناني، وعلى الرغم من العقبات التي خلقتها عوامل داخلية وخارجية والوعي الزائف، بلغ ذروته في لحظة تاريخية تمثّلت في ثورة الشعب الإيراني ضد الحكم الاستبدادي، وفي التعايش السلمي الطائفي والمذهبي في لبنان.

الكلمات المفتاحية:

البنيوية، الوعي الطبقي، الأدب المقارن، علي أشرف درويشي، توفيق يوسف عواد.

DOI: <https://doi.org/10.31185/lark.5239>

آگاهی طبقاتی در رمان رمان‌های «سلول ۱۸» اثر علی اشرف درویشیان و «طواحین بیروت» اثر توفیق یوسف عواد بر اساس نظریه ساختارگرایی تکوینی لوسین گلدمن

چکیده

آگاهی طبقاتی اصطلاحی است که در نقد جامعه‌شناسی ادبی به کار می‌رود و از مقوله‌های مرتبط با ساختارگرایی است که لوسین گلدمن به آن توجه ویژه‌ای داشته است. او سه نوع آگاهی را در نظر می‌گیرد: آگاهی واقعی، آگاهی ممکن و آگاهی کاذب. رمان «سلول ۱۸» اثر علی اشرف درویشیان و رمان «طواحین بیروت» اثر توفیق یوسف عواد، نویسندگان لبنانی، رمان‌های سیاسی و اجتماعی هستند که رویکرد رئالیسم بر آن‌ها غلبه دارد و به بیان مسائل سیاسی و مشکلات اجتماعی جوامع ایران و لبنان و روند شکل‌گیری آگاهی طبقاتی می‌پردازند. این پژوهش، با تکیه بر مبانی نظریه لوسین گلدمن و چارچوب‌های ادبیات تطبیقی، می‌کوشد تا بازتاب آگاهی طبقاتی را در این دو رمان بررسی کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آگاهی طبقاتی در جوامع ایران و لبنان، علیرغم موانعی که آگاهی کاذب و عوامل داخلی و خارجی در مسیر تحقق آن ایجاد کرده‌اند، در مرحله‌ای از تاریخ هر دو کشور به اوج خود رسیده و در قالب انقلاب مردم ایران علیه حکومت استبدادی و همچنین همزیستی مسالمت‌آمیز قومی و مذهبی در لبنان به ثمر نشسته است.

واژه‌های کلیدی: ساختارگرایی تکوینی، آگاهی طبقاتی، لوسین گلدمن، ادبیات تطبیقی، علی اشرف درویشیان، توفیق یوسف عواد.

۱- مقدمه

ایران و لبنان، سرزمین‌هایی با تاریخی کهن و فرهنگ و زبانی غنی هستند که در طول تاریخ معاصر و قرن بیستم با تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی روبه‌رو شده‌اند. این تحولات گسترده در ادبیات معاصر هر دو کشور بازتاب گسترده‌ای داشته است و رمان‌نویسان واقع‌گرای ایرانی و لبنانی با نگرشی اجتماعی فضای سیاسی و فرهنگی حاکم بر کشورهای خود را در قالب ساختار معنادار آثار ادبی خود بازنمایی کرده‌اند و از طریق کنش‌های شخصیت‌ها و حوادث داستان، دیدگاه‌های انتقادی خود را بیان نموده‌اند. یکی از شیوه‌های نقد ادبی پرکاربرد نقد جامعه‌شناسی ادبیات است که با تکیه بر مبانی علم جامعه‌شناسی آثار ادبی را تحلیل می‌کند. ساختارگرایی تکوینی یکی از زیر شاخه‌های نقد جامعه‌شناسی است که با تلفیق مسائل زبان‌شناسی و مقوله‌های جامعه‌شناسی، چارچوب نقدی همه‌جانبه‌ای در اختیار پژوهشگران ادبیات قرار می‌دهد. لوسین گلدمن یکی از معروف‌ترین نظریه‌پردازان ساختارگرایی تکوینی است که با تلفیق دیدگاه‌های نقدی خود با نظریه‌پردازان پیشین ساختارگرایی نظریه خود را طراحی کرده و آن در دو بخش دریافت و توصیف تنظیم و تدوین کرده است. یکی از مهم‌ترین مقوله‌های نظریه او آگاهی طبقاتی است که خود به سه نوع آگاهی واقعی، آگاهی ممکن و آگاهی کاذب تقسیم می‌شود. علی اشرف درویشیان نویسنده نام‌آشنای ایرانی و توفیق یوسف عواد نویسنده معروف لبنانی از نویسندگان واقع‌گرایی به حساب می‌آیند که با زبانی انتقادی واقعیت‌های جوامع عصر خود را با هدف اصلاح و نقد ناهنجاری‌های جامعه بیان می‌کردند. رمان سلول ۱۸ درویشیان و رمان طواحین بیروت توفیق یوسف عواد تاریخ سیاسی و سال‌های ملت‌هت و پر آشوب دو کشور را روایت می‌کند که هر دو کشور عرصه تقابل نیروهای متخاصم بود که در یک سو نیروهای مردمی و معترض و در سوی دیگر حکومت بود و نویسندگان در آثار خود مقوله آگاهی طبقاتی را به شکلی گسترده بازتاب داده‌اند و نقش آن را در تغییر ساختارهای سیاسی و اجتماعی ایران و لبنان را نشان داده‌اند. مطالعه تطبیقی مقوله آگاهی طبقاتی این دو رمان از منظر نقد ساختارگرایی تکوینی می‌تواند تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران و لبنان در قرن بیستم را بازخوانی و اطلاعات زیادی در اختیار مخاطبان ادبیات و فرهنگ ایرانی و لبنانی قرار دهد. لذا پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر نظریه ساختارگرایی تکوینی لوسین گلدمن، نحوه شکل‌گیری آگاهی طبقاتی در ایران و لبنان و نتایج آن بر وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این کشورها را نشان دهد و بازتاب ساختار اجتماعی این کشورها را با ساختار معنادار این دو رمان تحلیل و بیان کند.

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

این پژوهش درصدد پاسخگویی به این پرسش‌هاست:

۱- فرایند تولید و رشد آگاهی طبقاتی در رمان‌های طواحین بیروت و سلول ۱۸ چگونه است؟

۲- آگاهی کاذب به چه شکلی در این رمان‌ها انعکاس می‌یابد و چه تأثیری بر روند آگاهی ممکن دارد؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

دربارهٔ رمان‌های سلول ۱۸ و طواحین بیروت پژوهش‌هایی انجام گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ۱- دریه کمال فرحات کتابی با عنوان «الرغیف و طواحین بیروت: نموذج لوطنية توفيق يوسف عواد» (۲۰۰۶) به نگارش درآورده است که متن قابل دسترسی نیست ۲- سارة ظاهر در کتابی با عنوان «قراءة في روايتين لتوفيق يوسف عواد؛ من الرغيف إلى طواحين بيروت إلى اليوم المجتمع اللبناني في مختلف صورته وحالاته» به بررسی مقولهٔ جنگ و آثار آن بر لبنانی‌ها در دو رمان الرغیف و طواحین بیروت می‌پردازد. ۳- لمی فتحی محمد صالح در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تحولات بنية السرد في أعمال توفيق يوسف عواد القصصية» (۲۰۱۴)، به بررسی شیوه‌های روایی به‌کار رفته در آثار توفیق یوسف عواد پرداخته که در بخشی از آن به بررسی بازتاب عنصر زمان و مکان و سرعت روایت و مقولهٔ گذشته‌نگری و فلش‌بک و همچنین عنصر گفتگو و نقش آن در فرایند روایت داستان در این رمان پرداخته است. ۴- علیرضا شیخی و سحر ساکی در مقاله «تحلیل ریخت‌شناسانه داستان «طواحین بیروت» توفیق یوسف عواد بر اساس روش پراپ» (۱۴۰۰) به این نتیجه دست یافته‌اند که در این داستان، نوزده کارکرد از کارکردهای مدنظر پراپ وجود دارد و سه نقش «قهرمان»، «شور» و «یاربگر»، به تحقق این کارکردها و پیشبرد سیر داستان کمک می‌کنند.

۱- مصطفی گرجی در مقاله «نخستین داستان سیاسی پس از انقلاب اسلامی: بررسی و تحلیل گفتمان داستان سلول ۱۸ از علی اشرف درویشان» (۱۳۹۳)، بر اساس نظریهٔ گفتمان‌کاوی نورمن فرکلاف این رمان را تحلیل کرده و به این نتیجه رسیده است که گفتمان حاکم از آغاز رمان تا پایان آن با گفتمان انتقادی در تقابل است و گفتمان انتقادی حکومت پهلوی را به چالش می‌کشد. ۲- رضا جهانی و نیما اقبال سعیدی در مقاله «نگاهی به داستان بلند سلول ۱۸ علی اشرف درویشان از زاویه دید لوکاچ و رئالیسم سوسیالیستی» (۱۳۹۷)، دومین همایش بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی، بر اساس آراء جورج لوکاچ و تودورف به بررسی بازتاب ویژگی‌های رئالیسم سوسیالیستی در رمان سلول ۱۸ پرداخته‌اند و اثرپذیری درویشان را از مارکسیسم بیان کرده‌اند. ۳- معصومه سلطانی چم‌حیدری در مقاله «خوانشی از رمان سلول ۱۸ بر اساس آراء گیورگ لوکاچ» (۱۳۹۷)، ششمین همایش ملی متن پژوهی ادبی نگاهی تازه به ادبیات داستانی معاصر، بر اساس نظریه‌های لوکاچ به بررسی کنش شخصیت‌های رمان سلول ۱۸، ایدئولوژی و آگاهی طبقاتی آن‌ها پرداخته است. با بررسی کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات، پژوهشی که به صورت مستقل یا تطبیقی در مورد رمان طواحین بیروت و سلول ۱۸ انجام گرفته باشد، یافت نشود، لذا به نظر می‌رسد این رساله نخستین پژوهشی است که بر اساس چارچوب‌های ادبیات تطبیقی به نقد جامعه‌شناسی این دو رمان بر اساس نظریهٔ ساختارگرایی تکوینی لوسین گلدمن می‌پردازد و بازتاب مقولهٔ آگاهی طبقاتی را در این رمان‌ها را نشان می‌دهد.

۲- نقد ساختارگرایی تکوینی و نظریهٔ لوسین گلدمن

نقد ساختارگرایی تکوینی شیوهٔ نقدی است که صرفاً بر مسائل زبان‌شناسی و ساختار بیرونی کلام تأکید نمی‌کند و با دیگر علوم به‌ویژه جامعه‌شناسی و سیاست ارتباط نزدیکی دارد. «ساختارگرایی تکوینی نوعی مطالعهٔ علمی است که ادبیات را به صورت ساختاری مطالعه می‌کند. می‌توان گفت که در ساختارگرایی تکوینی، ساختار روش‌های پیشین ادغام شده است. همگرایی مطالعات ساختارگرایی تکوینی با مطالعاتی که جنبه‌های بیرونی ادبیات را بررسی می‌کند باعث می‌شود که معنای متون ادبی دست‌نخورده‌تر و کامل‌تر باشد» (Endraswar, 2013, p. 55). پس در این شیوهٔ نقدی به نقش محیط بیرون متن ادبی در تولید آن توجه ویژه‌ای می‌شود و تأثیر فرهنگ و جامعه بر متن نیز بررسی می‌شود. «ساختارگرایی تکوینی، ساختار اثر را در ارتباط با عوامل برون‌متن بررسی می‌کند» (عصفور، ۱۹۸۱: ۹۲). پس این شیوهٔ نقدی نقش جامعه در فرایند تولید متن ادبی را نادیده نمی‌گیرد و با ترکیب مسائل زبان‌شناسی و مبانی علوم دیگر همچون تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و فرهنگ یک اثر ادبی از ابعاد مختلف تحلیل می‌کند. لذا «ساختارگرایی تکوینی دو هدف را عملی کرد؛ نخست باعث شد که نقد ساختارگرایی را از محدود شدن بر یک متن کنترل شده و تک‌معنایی نجات دهد و دوم اینکه رویکرد اجتماعی نقد ادبی را از ایدئولوژی خود که ادبیات را فقط از دیدگاه خود ارزیابی می‌کرد، رها کند» (موسی، ۲۰۱۱: ۲۲۱). یعنی ساختارگرایی اثر ادبی را یک متن باز و با ظرفیت معنایی و تفسیری بالایی می‌داند که برای دریافت معانی مختلف از آن باید تأثیر تمام عوامل زبانی و غیرزبانی (برون‌متن) را در آن بررسی کرد. لوسین گلدمن جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز مارکسیست فرانسوی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان ساختارگرایی تکوینی است که با ارائهٔ نظریات خود در ساختارگرایی چارچوب جدیدی ایجاد کرد که در آن بر جامعه‌شناسی تأکید زیادی داشت. «گلدمن گرایش فرمالیستی را که به جنبه‌های اجتماعی و تاریخی متون ادبی اهمیت نمی‌دهد و متن را از همهٔ عوامل و زمینه‌های بیرونی جدا می‌کند، رد می‌کند. او همچنین به مطالعهٔ

ساختار متن ادبی علاقه‌مند بود، مطالعه‌ای که نشان می‌دهد متن تا چه اندازه ساختار فکری یا جهان‌بینی یک طبقه یا گروه اجتماعی را که نویسنده به آن تعلق دارد، ترسیم و تشریح می‌کند» (حفشه، ۱۹۹۷: ۴۰). پس یک متن ادبی جدای از جامعه‌ای نیست که در آن تولید می‌شود. گلدمن معتقد است «که آفرینندگان راستین آثار فرهنگی، گروه‌های اجتماعی نه اشخاص منفرد هستند» (گلدمن، ۱۳۸۱: ۱۳). یعنی گلدمن بهترین اثر ادبی را اثری می‌داند که بیانگر باورها و احساسات یک طیف وسیعی از جامعه باشد. او معتقد است که «هر اثر هنری معتبر، بیانی است از یک نگاه جمعی متحد که خود نویسنده هم بخشی از آن است» (راووداد، ۱۳۹۴: ۹۸). یعنی نویسنده متعهد در قبال جامعه و مردم، اثر ادبی خود را باید در خدمت جامعه و طبقه اجتماعی قرار دهد که با عضویت در آن به خود اعتباری اجتماعی داده است. گلدمن در نظریه خود نگرشی تاریخی نسبت به تولید متن ادبی دارد، پس یک اثر ادبی اجتماعی می‌تواند تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی که در یک منطقه در مراحل مختلف تاریخی رخ داده را دربرگیرد. بر این پایه ساختارگرایی گلدمن «می‌کوشد تا ارزش و اعتبار را به اثر بازگرداند، بدون اینکه ارتباط آن را با جامعه و تاریخ بگسلاند» (غولدمان و آخرون، ۱۹۸۶: ۷). این یعنی نمی‌توان بدون تحلیل عوامل بیرونی و بدون توجه به عنصر زمان و تاریخ، آثار ادبی را صرفاً از لحاظ ساختار بیرونی و ارتباط میان اجزای تشکیل‌دهنده بافت بیرونی متن تحلیل کرد. یکی از مفاهیم اصلی نظریه گلدمن، آگاهی طبقاتی است که خود به سه نوع آگاهی واقعی (آگاهی کنونی) آگاهی ممکن و آگاهی کاذب تقسیم‌بندی می‌شود. تأثیر آگاهی طبقاتی بر افکار فاعلان فرافردی چنان زیاد است که جهان‌بینی از آن نشأت می‌گیرد. «جهان‌بینی، هنر و اندیشه گروه اجتماعی را شکل می‌بخشد و آگاهی جمعی فرآورده آن است» (ایگلتن، ۱۳۸۱: ۱۷۶). آگاهی طبقاتی محصور در چارچوب فکری یک فرد نمی‌شود و می‌تواند طیف وسیعی از جامعه را شامل شود و موجب تحولاتی در ساختارهای سیاسی و اجتماعی شود. «تا زمانی که طبقات در برخوردهای سیاسی به عنوان گروه‌هایی متشکل شرکت نکنند، طبقه‌ای را تشکیل نمی‌دهند؛ گروه‌های متشکل نیز تا زمانی که خود افراد از موقعیت مشترک خویش آگاه نگردند، ایجاد نخواهد شد» (کوهن، ۱۳۸۵: ۹۴). یعنی آگاهی باید از حالت نقدهای شخصی خارج شود و محصول یک خرد جمعی باشد و در خدمت منافع کلی جامعه قرار گیرد.

۳- خلاصه رمان‌های سلول ۱۸ و طواحین بیروت

ادبیات تطبیقی: به معنای مطالعه جنبه‌هایی است که ادبیات در چندین زبان، بر اساس ارتباطاتی که در گذشته بین آنها ایجاد شده است و تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری که از این ارتباطات ناشی شده است، به همگرایی می‌پردازند. (حمدان، ۲۰۲۲: ۱۰)

رمان طواحین بیروت حوادث زندگی یک خانواده لبنانی در زمان یورش بی‌رحمانه اسرائیل به جنوب لبنان را روایت می‌کند که پدر خانواده برای تأمین معاش خانواده به یکی از کشورهای آفریقایی مسافرت می‌کند و پسر خانواده یعنی جابر برای ادامه تحصیل به بیروت مسافرت می‌کند و دختر خانواده نیز پس از قبولی دانشگاه به بیروت می‌رود و نزد یکی از اقوام در یک مسافرخانه سکونت می‌یابد و حوادث تلخ و شیرینی برای او و دیگر شخصیت‌های داستان اتفاق می‌افتد و در پایان داستان دچار تحول فکری شده و تبدیل به زنی آگاه با بینش سیاسی و اجتماعی قوی می‌شود. دیگر شخصیت‌های داستان عبارتند از: مادر تمیمه، هانی یک مرد جوان مسیحی که تمیمه در دانشگاه با او آشنا و طرز فکرش تغییر می‌کند. رمزی رعد روزنامه‌نگار و منتقد سیاسی است که در مسافرخانه به صورت دائمی سکونت دارد و با تمیمه نیز رابطه دارد و بر افکار او تأثیر می‌گذارد.

رمان سلول ۱۸ علی اشرف درویشیان یک رمان سیاسی است که بیانگر سختی‌ها و مصائب زندگی یک خانواده فقیر در دوران حکومت پهلوی در شهر کرمانشاه است که به خاطر تفکرات انقلابی کمال پسر ارشد خانواده برای مدتی در زندان تحت شکنجه ساواک قرار می‌گیرند و با مرگ کمال و آزاد شدن خانواده و به دنیا آمدن دخترش سپیده در زندان این داستان پایان می‌پذیرد. شخصیت‌های دیگر داستان عبدالله پدر خانواده که به لحاف‌دوزی مشغول است، مادر بزرگ و مادر کمال، احمد و سعید برادران کمال، فاطمه دختر خانواده و نرگس عروس خانواده که در پایان داستان دچار تحول روحی شده و تصمیم می‌گیرد تا با شیوه‌ای هوشمندانه به مقابله با حکومت پهلوی بپردازد.

۴- تحلیل جامعه‌شناختی رمان‌های سلول ۱۸ و طواحین بیروت

آگاهی طبقاتی مقوله‌ای اجتماعی است که متناسب با کنش‌های افراد و طبقات مختلف جامعه اشکال مختلفی به خود می‌گیرد که بارزترین وجوه آن آگاهی واقعی، آگاهی ممکن و آگاهی کاذب است.

۴-۱. آگاهی واقعی

هر شخصی نسبت به موقعیت و وضعیت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند یک آگاهی اولیه و خام دارد که نتیجه مشاهدات او از اتفاقات زمان حال و تجربیات گذشته است. این نوع از آگاهی را آگاهی واقعی می‌نامند. «آگاهی واقع‌بینانه شخص در زمان حال و لحظه‌ای و بالقوه است و ممکن است شخص از مشکلاتی که تجربه می‌کند، آگاه شود، اما راحلی در مواجهه با آن‌ها و برای غلبه بر آن‌ها ندارد» (عبدالعظیم، ۱۹۹۸: ۵۴). این آگاهی به مرحله عمل نمی‌رسد و موجب تغییرات مثبت نمی‌شود.

لبنان در دهه هفتاد و هشتاد میلادی عرصه تحولات سیاسی، نظامی و دینی گسترده‌ای بود و جنگ‌های خارجی و داخلی زیادی در آن رخ داد و از یک سو اسرائیل و از سوی دیگر برخی کشورهای عربی همچون سوریه به آن حمله می‌کرد و بخش‌هایی از آن را اشغال می‌کردند. در داخل کشور نیز اختلافات میان مسیحیان و دروزیان با شیعیان شدت یافت و درگیری‌هایی میان آن‌ها رخ داد و از سوی دیگر مردم نیز از دولت و حکومت وقت ناراضی بودند. جامعه روشنفکر لبنان پس از استقلال این کشور دچار تحول عظیمی شده و آگاهی طبقاتی در میان اقشار جامعه در حال رشد بود. در سایه چنین تحولات و وضعیتی، قشر دانشجو و تحصیلکرده لبنانی به انتقاد از حکومت و وضعیت موجود پرداخت و آگاهی طبقاتی خود را در قالب نارضایتی خود از وضعیت جامعه نشان داد، ولی اعتراض دانشجویان در حد برپایی تحصن‌ها و شعارهای انتقادی بود و حکومت بیشتر این تحصن‌ها را با خشونت سرکوب می‌کرد و این آگاهی طبقاتی در حد یک آگاهی جمعی اولیه و واقعی باقی مانده بود و تبدیل به قیام و انقلاب نمی‌شد. رمزی رد یکی از شخصیت‌های اصلاح‌جو و منتقد حکومت به رویکرد ناکارآمد قشر روشنفکر لبنانی در قبال حکومت و اعمال و رفتارهای ناهنجار آن خرده می‌گیرد و دانشجویان را به قیام دعوت می‌کند: «طلّاب العالم کلّهم ثاروا. فمتی ثورتکم یا طّلاب لبنان؟ هذا هو النداء الذي أطلقه رمزي رد في «الصباح» بعد الإفراج عنه. وتردّد النداء في كثير من الصحف ولهجت به الأندية» (یوسف عواد، ۱۹۹۱: ۱۰۷). ترجمه (دانشجویان در سراسر جهان قیام کرده‌اند. ای دانشجویان لبنان، شما کی قیام خواهید کرد؟ این فراخوانی است که رمزی رد پس از آزادی‌اش در روزنامه «الصباح» منتشر کرد. این فراخوان در بسیاری از روزنامه‌ها تکرار شد و توسط باشگاه‌ها نیز بازتاب یافت).

در رمان سلول ۱۸ شخصیت اصلی وجود ندارد، زیرا دیالوگ‌ها و حوادث داستان میان تمام شخصیت‌ها تقسیم شده است. کمال پسر بزرگ خانواده که تحت تأثیر افکارهای مارکسیستی و سوسیالیستی خواهان اجرای عدالت و مساوات در جامعه و پایین آمدن فاصله طبقاتی است، دردها و مشکلات جامعه و خانواده خود را می‌بیند و می‌شنود و آگاهی خام و اولیه‌ای نسبت به وضعیت جامعه دارد، ولی این افکار انتقادی بیشتر در چارچوب ذهن خود و یا در گفتگوی با اعضای خانواده خود بیان می‌شد که به خاطر نداشتن سواد سیاسی و پیروی از فرهنگ سنتی، این سخنان انتقادی کمال در اوایل بر آن‌ها تأثیر چندانی نداشت، پس آگاهی طبقاتی او یک آگاهی محدود به حال و وضعیت کنونی جامعه استبدادزده ایران است: «پدر کمال سرفه‌ای کرد و گفت: آخر کمال، پسر جان اگر این‌طور که تو می‌گویی هرکس پول را به این و آن بدهد، پس کارخانه‌ها از کجا درست می‌شود. آخر مگر نه اینکه با پول همین پولدارها درست می‌شود. کمال به آرامی گفت: کارخانه از زحمت شبانه روزی کارگرها و با نیروی بازوی آن‌ها ساخته می‌شود. ساختمان‌ها را کارگران می‌سازند و سرمایه‌دار از مزد کارگرها می‌خورد و این پول‌ها جمع و تبدیل به کارخانه می‌شود» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۱۱).

رمزی رد در گفتگوی با تیمه باز از رویکرد منفعل و خسته‌کننده دانشجویان در قبال رفتار خشن حکومت با مطالبه‌گری اقشار جامعه انتقاد می‌کند و سردادن شعارهای تکراری و استفاده از بیانیه‌های بی‌هدف را وقت تلف کردن و بیهوده می‌پندارد که باعث تقویت روحیه حکومت می‌شود و زمان را به نفع حکومت پیش می‌برد، زیرا هر جنبش مردمی دارای یک زمان سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده است که روشنفکران لبنانی با در پیش گرفتن رویکرد مسالمت‌آمیز و ناهمخوان با شرایط کنونی از این زمان سرنوشت‌ساز دور می‌شود و زمینه را برای تضعیف روحیه دانشجویان فراهم می‌کند و باعث می‌شود آگاهی آن‌ها در حد همان آگاهی واقعی و آگاهی محیطی آن‌ها در شرایط کنونی باشد و منجر به تغییرات اساسی در ساختار کلان مدیریتی لبنان نشود: «ما أبعد عن هذه العبارات الجاهزة التي يلوکها الطلاب، وتلك الشعارات الجوفاء» (یوسف عواد، ۱۹۹۱: ۱۸۵). ترجمه (چقدر از این عبارات آماده‌ای که دانش‌آموزان از بر می‌خوانند و این شعارهای توخالی فاصله دارد).

در رمان سلول ۱۸ کمال در گفتگوی با خانواده از نبود عدالت آموزشی و توزیع نامناسب و ناعادلانه درآمدها میان طبقات مختلف جامعه سخن می‌گوید و دریافت مزد کم در برابر کار سخت و طاقت‌فرسا و دستیابی سرمایه‌داران بزرگ به سود کلان را عامل ایجاد فساد اقتصادی و فاصله طبقاتی و در نتیجه تبعیض و بدبختی و فلاکت طبقه پایین دست جامعه می‌شود. مادر بزرگ کمال تحت تأثیر فرهنگ سنتی و القانات حکومت، دیدگاه کمال را آرمانی و ناهمخوان با واقعیت‌های زندگی سنتی ایران می‌داند و معتقد است که گروهی از مردم به دنیا آمده‌اند که فقیر و کم‌بهره

و در خدمت ثروتمندان باشند: «مادربزرگ گفت: آخر کمال جان اگر همه مردم حاجی آقا و تاجر و دکتر و مهندس بشوند پس چه کسی حمال، عمله و لحاف دوز و رخت شور بشود؟ ها! کمال گفت: مادربزرگ عزیزم، آدم‌های بی‌خبر این حرف‌ها را می‌زنند. من نمی‌گویم کسی لحاف دوز نشود، ولی باید همه از یک زندگی خوب و انسانی برخوردار باشند» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۱۱).

البته پدر کمال و مادربزرگش نمادی از بخش وسیعی از جامعه ایران است که هنوز به آن سطح از آگاهی جمعی و طبقاتی نرسیده است تا از حقوق فردی و اجتماعی خود آگاهی یابد و برای تحقق آن‌ها تلاش کند و گفتمان حاکم را به چالش بکشد، لذا آگاهی آن‌ها با وجود درک مشکلات محیطشان، تحت تأثیر تجربیات تلخ نسل‌های پیشین یک آگاهی محدود، خام و غیرکاربردی است که به یک چرخه ناکارآمد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رضایت داده‌اند و تلاشی برای تغییر آن نکرده‌اند. لذا سخنان کمال بیانگر نوعی آگاهی واقعی است که واقعیت‌های جامعه ایران و مشکلات آن را می‌داند، ولی راهکاری برای حل مشکلات آن نمی‌تواند ارائه دهد.

دانشجویان لبنانی به خوبی از نقش منفی اسرائیل در آشوب و ایجاد اختلافات مذهبی و قومی در لبنان آگاهند، ولی این آگاهی به خاطر ترس از حکومت در پستوی ذهن آن‌ها باقی می‌ماند و نهایتاً به اعتراضی شدید اللحن در مجالس خصوصی هم‌اندیشی دانشجویان محدود شود: «اسرائیل هي الكابوس رقم ١. التحدي الأكبر. الأفة الجديد من آفات التوراة الأسطورية» (یوسف عواد، ۱۹۹۱: ۷۲). ترجمه (اسرائیل کابوس شماره ۱ است. بزرگترین چالش. یکی از آفت‌های جدید افسانه تورات).

این آگاهی واقعی است و فقط اطلاعات حقیقی و روزمره تحصیل‌کردگان لبنانی آن دوران را نشان می‌دهد که اسرائیل به عنوان دشمن متجاوز به کشور خود می‌شناسند، ولی به خاطر پیشینه ذهنی مربوط به شکست‌های اعراب در برابر اسرائیل در گذشته، نگاه انتقادی خود را تعمیم و توسعه نمی‌دهند و حکومت لبنان را برای مقابله با آن تحت فشار قرار نمی‌دهند و رامچاره‌ای ارائه نمی‌دهد.

نرگس همسر کمال پس از شنیدن خبر کشته‌شدن کمال تصمیم می‌گیرد راه او را ادامه دهد و به روشنگری بپردازد. در زندان با زنی بنام نصرت آشنا می‌شود که به خاطر فعالیت‌های سیاسی زندانی شده است و او بر افکار نرگس تأثیر زیادی می‌گذارد. او تلاش نرگس برای روشنگری و بیان ناهنجاری‌های حکومت پهلوی را می‌ستاید، ولی آن را یک آگاهی زبفاتی در سطح اولیه می‌داند که تنها به ذهن و قلب او محدود شده است و نمی‌تواند بر قدرت دستگاه دیکتاتوری پهلوی فائق آید: «همت و مردانگی شوهر تو قابل ستایش است، ولی فکر نمی‌کنی که باید از همان انسان‌های اطراف خودت، توی محله، توی کارگاه خیاطی بین کارگرهایی که همیشه تحت ظلم و ستم بوده‌اند، شروع کنی؟ فکر نمی‌کنی که اگر کمال خدایی نکرده از بین برود چه کسی باید جای او را بگیرد؟ وقتی مردم پشت سر او نباشند به تنهایی نمی‌تواند کاری بکند» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۹۸).

این نشان می‌دهد آگاهی طبقاتی بخشی از جامعه ایران در حالت آگاهی واقعی بوده و باوجود اینکه مشکلات جامعه و رفتارهای خشن و جنایت‌های ساواک را می‌دیدند، ولی برای مقابله به این رژیم ستمگر تلاش جدی نمی‌کردند و این باعث می‌شد که آگاهی ممکن در ایران به تعویق بیافتد و انقلاب ایران نیز با آهنگ کندتری پیش رود.

۴-۲. آگاهی ممکن

آگاهی طبقاتی وقتی از چارچوب ذهن و گفتار شخصی افراد خارج شود و تبدیل به عمل و کنش جمعی شود، تبدیل به آگاهی ممکن می‌شود. «آگاهی ممکن مرتبط با زمان آینده است و این حداکثر چیزی است که آگاهی گروه می‌تواند به آن برسد بدون اینکه ماهیت خود را تغییر دهد» (امین، ۲۰۰۵: ۵۹). پس هدف آگاهی ممکن، ایجاد تغییر در ساختار جامعه با نگاهی به آینده و فرصت‌های پیشرو است.

قومیت‌گرایی و اختلافات مذهبی یکی از مشکلات اساسی لبنان در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی بود. طبقه تحصیل‌کرده جامعه لبنان به نامطلوب بودن این مسأله پی برده و آن را عامل تفرقه و بی‌ثباتی جامعه می‌دانستند، لذا یکی از اساسی‌ترین بندهای پیشنهادی به حکومت، رفع اختلافات مذهبی و قومی و تلاش برای ایجاد همدلی میان طبقات جامعه بود. این هم‌اندیشی جمعی بیانگر رشد آگاهی طبقاتی جامعه لبنانی را نشان می‌دهد که با هدف بهبود و وضعیت سیاسی، اقتصادی و دینی کشور تلاش می‌کند تا وضعیت موجود را تغییر دهد و برای ایجاد فضایی خالی از تنش تلاش کند و زمینه را برای پیشرفت و آبادانی کشور فراهم کند: «وهذه الأجوبة مفيدة من حيث إنها تبين موقف النشء من الطائفية ومن الأوضاع الراهنة والتقاليد المتبعة. وهي تعني أن تغييراً كبيراً قد طرأ على الأفكار. وأهمية هذا لتغير أنه صادر عن الأوساط الجامعية أي عن النخبة التي ستصنع المجتمع الجديد» (یوسف عواد، ۱۹۹۱: ۱۱۰). ترجمه (این پاسخ‌ها از این جهت مفید هستند که موضع جوانان را در مورد

فرقه‌گرایی، شرایط فعلی و سنت‌های تثبیت‌شده آشکار می‌کنند. آن‌ها نشان می‌دهند که تغییر بزرگی در تفکر رخ داده است. اهمیت این تغییر در این واقعیت نهفته است که از محافل دانشگاهی - یعنی از نخبگانی که جامعه جدید را شکل خواهند داد - سرچشمه می‌گیرد).

پاسخ دادن حکومت به برخی از مطالبه‌های طبقه دانشگاهی و تحصیلکرده لبنان بیانگر بالا رفتن کیفیت آگاهی طبقاتی در این کشور است که خواسته‌های دانشجویان از چارچوب ذهن آن‌ها خارج شده و با قدرتی که از طریق خرد جمعی کسب کرده‌اند، مطالبات به حق خود را در سطوح مختلف دینی، اقتصادی و اجتماعی عملی کرده و برای حرکت دادن قطار پیشرفت کشور به جلو، دولت را مجاب به تغییر رویه خود کرده‌اند و به نقش مردم و نسل جدید روشنفکر را برای ساختن آینده کشور اعتراف کرده‌اند.

در رمان سلول ۱۸ نیز نرگس به عنوان پرچمدار آگاهی ممکن پس از کشته‌شدن کمال همسرش به جرگه انقلابیون می‌پیوندد و از همان زندان شروع به ایجاد همدلی میان اقتشار مختلف جامعه و برانگیختن روحیه نقد و مطالبه‌گری در زندانیان کرد و پس از آزادی نیز جرعه تفکر انقلابی و آزادی‌خواهی را در روح و روان کسانی روشن کرد که هنوز در خواب غفلت بودند: «نرگس با صورتی پر از درد و خشم به دیوار نیمه تاریک سلول چشم دوخته بود و آرام آرام سرودی را که نصرت دوست داشت و به او یاد داده بود شروع به خواندن کرد و همه بند با او هم‌آواز شدند: بیا تا به یاد شهیدان خویش / که رفتند در راه عشق و امید / بدان اخترانی که افسون شدند / بدانسان به دامن صبح سپید / بیا کنیم پرچم خشم و کین را / پی افکنیم زندگانی نوین / خروش ما برکند بنای بیداد / به سر رسید این نبرد آخرین (درویشیان، ۱۴۰۰: ۱۰۸).

این آگاهی نرگس یک آگاهی محیطی اولیه و تئوریک نیست، این آگاهی نتیجه تجربه دردناک یک زن زحرب‌کشیده و پخته‌ای است که با کشته‌شدن همسرش به ارزش کار او و در بیداری جامعه پی برد، پس با نگاهی به آینده و برای ساختن سرنوشت خود و دخترش سپیده و تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی کنونی تلاش و مبارزه می‌کند و ترس از مرگ و شکنجه او را از این باور و تصمیمش باز نمی‌گرداند.

در رمان طواحین بیروت، آگاهی طبقاتی شخصیت‌های داستان هر چه حوادث داستان رو به جلو حرکت می‌کند، بیشتر می‌شود و نگاه آن‌ها از حالت فردی و شخصی خارج شده و خود را در قبال جامعه، مردم و وزن متعهد و مسئول می‌دانند. تمیمه تا پیش از آشنایی با هانی چندان به سیاست، جامعه و مسائل و مشکلات کشورش توجه نمی‌کرد و بیشتر علاقمند به ادبیات و شعر بود با دیدگاه‌های هانی درباره وضعیت نابسامان کشور و نقش مخرب اسرائیل در تضعیف و بی‌نظمی لبنان، نظرش درباره سیاست تغییر می‌کند و به ضرورت داشتن بینش سیاسی و اجتماعی پویا و آگاهانه پی می‌برد: «صرا االی زمان مختلف و عقاید سیاسیة لا عد لها بین یمین و یسار. هذه العقائد لا لزوم لها. يجب وضعها كلها على الرف. سؤال واحد مطروح علينا في هذا الوقت. تطرحه اسرائيل هل نكون أو لا نكون؟ وتریدین أن لا تهتمی بالسیاسة؟» (یوسف عواد، ۱۹۹۱: ۷۵). ترجمه (ما در دوران متفاوتی با ایدئولوژی‌های سیاسی بی‌شماری چه در جناح راست و چه در جناح چپ زندگی می‌کنیم. این ایدئولوژی‌ها غیر ضروری هستند. همه آنها باید کنار گذاشته شوند. در حال حاضر یک سوال برای ما مطرح است. اسرائیل آن را مطرح می‌کند: ما باشیم یا نباشیم؟ و تو می‌خواهی سیاست را نادیده بگیری؟).

این نگاه موشکافانه و دقیق هانی نسبت به هویت رژیم اسرائیل بیانگر رشد عاطفی و روانی او و دستیابی او به بالاترین سطح آگاهی طبقاتی است که با تحلیل جامع و درست رفتارهای گروه‌های مختلف جامعه لبنان و کنش‌های فریبکارانه و مغرضانه اسرائیل به این نتیجه می‌رسد که باید در قبال این رژیم اشغالگر با کیاست و دوراندیشی و قاطعانه برخورد کرد و با گروه‌های سیاسی، دینی و قومیتی لبنان با دشمنی کردن با هم و با تفرقه راه را برای دخالت او در امور داخلی لبنان فراهم نکنند، زیرا هدف او تضعیف و در نهایت نابودی موجودیت لبنان است.

در رمان سلول ۱۸ نیز درویشیان تغییر جهان‌بینی شخصیت‌ها را نشان می‌دهد که پس از کشته‌شدن کمال و آشکار شدن ماهیت حکومت پهلوی خونخوار، بینش سیاسی و اجتماعی نرگس عمیق‌تر شده و سطح آگاهی طبقاتی‌اش بالاتر رفته و از یک زن خانه‌داری که تمام فکر و ذهنش اداره امور منزل و بچه‌داری بود، تحت تأثیر اندیشه‌های نصرت به یک فعال سیاسی با دیدگاهی انقلابی و آزادی‌خواهانه تبدیل می‌شود و آگاهی طبقاتی او به گلایه کردن از وضعیت نامناسب جامعه محدود نمی‌شد و برای ساختن آینده‌ای آباد تلاش می‌کند: «آری نرگس خانم مردم باید سیاسی بشوند. دارای دید وسیع بشوند و دشمن و دوست خود را با آگاهی تشخیص بدهند. من و تو، کارگرهای کارخانه‌ها، همه مردم زحمت کش، مردم کوچ و بازار از درد یکدیگر اطلاع پیدا کنند و گر نه تا وقتی که مردم همین‌طور در اثر بی‌اطلاعی، بی‌تفاوت باشند همین آش است و همین کاسه» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۹۸).

درویشیان در قالب گفتگو نصرت و نرگس، روند رشد آگاهی طبقاتی جامعه ایران را ترسیم می‌کند که به خاطر پایین بودن دانش سیاسی جامعه هنوز به اوج خود نرسیده است و نیازمند یک تلاش و اراده عمومی و جمعی است و بر این اساس، پیشرفت جامعه ایران در آینده نیازمند یک خرد جمعی است که در آن تمام طبقات جامعه ایران فعالیت و مشارکت داشته باشند.

هانی از رویکردهای خشن، نظامی و انقلاب‌های مسلحانه برای ایجاد تغییرات سازنده در کشور، حمایت نمی‌کند و رسیدن به اتحاد و همدلی و انتخاب چارچوب سیاسی منسجم را از طریق برخوردهای نظامی را غیرممکن می‌داند و معتقد است که حکومت باید به نقش سازنده مردم در پیشرفت و آبادانی و مدیریت کشور اعتراف کند و از راه همدلی و همگرایی با مردم قانون اساسی به‌روز و مطابق با خواسته‌های تمام اقشار جامعه لبنان طراح و اجرا کند: «النظام البرلماني القائم على الدستور هو الوحيد الذي يضمن الحرية الشخصية، ويعزز الكرامة الانسانية، ويضمن حقوق المواطن. وعلى نقائه أثبت، منذ الإغريق، أنَّ الأفضل لتسيير شؤون الحكم، فالشعب هو مصدر السلطة، وهو الشرعية التي لا بدَّ منها لكلِّ نظام حكم» (یوسف عواد، ۱۹۹۱: ۲۰۰). ترجمه (نظام پارلمانی مبتنی بر قانون اساسی تنها نظامی است که از آزادی شخصی محافظت می‌کند، کرامت انسانی را ارتقا می‌دهد و حقوق شهروندان را تضمین می‌کند. از زمان یونانیان، خلوص آن ثابت کرده است که بهترین راه برای اداره امور حکومت است. مردم منبع اقتدار و مشروعیت ضروری برای هر نظام حکومتی هستند).

این نگاه فرادینی و فراقومیتی هانی توصیفی از سطح بالای آگاهی طبقاتی اوست که از شعارهای سطحی و غیرعملی و رؤیایگونه فراتر رفته و به یک بینش عمیق و شمول‌گرایانه نسبت به جامعه لبنان رسیده است و با نگاهی به آینده برای پیشرفت لبنان و بالا رفتن سطح معیشت مردم، خواستار تغییراتی در تمام ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دینی و فرهنگ است، زیرا لبنان سرزمینی چند وجهی است که تنها راه برون‌رفت آن از شرایط بحرانی، ایجاد همدلی میان اقوام و ادیان و پیروی کردن حکومت و مردم از قانونی است که حقوق تمام طبقات جامعه را بدون هیچ‌گونه تبعیضی پوشش دهد.

نرگس در رمان سلول ۱۸ همچون هانی در رمان طواحین بیروت با درک واقعیت‌های جامعه ایران و تجربه تلخ کمال و برخورد خشن و بی‌رحمانه حکومت با فعالان سیاسی و انقلابی، به ضرورت تغییر آهنگ انقلاب و نوع مبارزه با حکومت مستبد پی می‌برد و نبرد مسلحانه و نظامی را راهکار مقابله با حکومت پهلوی نمی‌داند، بلکه پیروزی انقلاب مردمی را بالا رفتن سطح آگاهی طبقاتی آن‌ها می‌داند. پس همه اقشار جامعه ایران باید از حقوق خود آگاه شده و برای دستیابی به شرایط بهتر زندگی و برای تعیین سرنوشت خود تلاش و مطالبه‌گری کنند: «نرگس به بچه‌ها نگاه کرد و دوباره در افکار خود غوطه‌ور گردید: راستی باید ما هم مثل کمال خودمان را به کشتن بدهیم؟ کمال نمی‌توانست در بین عده‌ای بیشتر از رفقای کارگرش تأثیر بگذارد؟ نمی‌توانست صبورانه پیش برود و گروه زیادی را به مبارزه بکشاند. مردم باید عمیقاً به مبارزه معتقد بشوند. چطور می‌توانیم این کار را بکنیم؟ با احمد باید حرف بزیم. با فاطمه و سعید هم. باید راه مؤثرتری پیدا کنیم. می‌رویم و از محله خودمان از کارگاه خیاطی شروع می‌کنیم. باید به سراغ نصرت خانم بروم. پیدایش بکنم و یاد بگیرم چگونه تیشه به ریشه دشمنان کمال و دشمنان انسان‌های ستمکش بزنم» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۱۱۰-۱۱۱).

این نگاه هوشمندانه نرگس به مقوله انتقاد، اعتراض و انقلاب بیانگر رشد روانی و شخصیتی اوست که راه رسیدن به پیروزی را سنجیده عمل کردن و احساساتی نشدن می‌داند، زیرا دشمن ستمگر از راه‌های مختلف سعی در تضعیف و تخریب صف‌های مبارزه انقلاب مردمی دارد، لذا باید بر اساس خرد جمعی و هدفمند به جنگ با دشمن سنگدل و فریبکار رفت.

۳-۴. آگاهی کاذب

ممکن است گاهی آگاهی طبقاتی به خاطر برخی موانع و عوامل به آگاهی ممکن و آرمانی تبدیل نشود و در حد همان آگاهی واقعی باقی بماند. «آگاهی کاذب نتیجه موانع بی‌شماری است که عوامل گوناگون و واقعیت تجربی در سر راه تحقق آگاهی ممکن قرار می‌دهند و آن را به انحراف می‌کشند» (گلدمن، ۱۳۸۲: ۵۶). این عوامل مختل‌کننده تکامل آگاهی ممکن است داخلی یا خارجی باشند.

تاریخ سیاسی لبنان در قرن بیستم به‌ویژه دهه هفتاد و هشتاد میلادی نشان می‌دهد که آگاهی طبقاتی مردمان این سرزمین پیوسته در حال تغییر بوده و از آگاهی واقعی به آگاهی ممکن تغییر جهت داده و تغییرات و اصلاحاتی انجام نگرفته است، ولی مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی مانع از تحقق کامل آگاهی ممکن شده‌اند و در فرایند تغییر و اصلاح و پیشرفت کشور تأخیر انداخته‌اند و باعث انحراف جنبش‌های مردمی اصلاح‌جو و برتری آگاهی کاذب شده‌اند. یکی از مهم‌ترین عوامل داخلی در توقف یا تأخیر محقق شدن آگاهی ممکن در لبنان، افراد سوجو و منفعت‌طلبی هستند که به خاطر ترس از دست دادن منافع و امتیازاتشان نزد حکومت، خیانت و ریاکاری کرده و در ظاهر خود را

پشتیبان و دلسوز مردم می‌دانند، ولی در عمل در سرکوب اجتماعات اصلاح‌جویانه مردم با حکومت همکاری می‌کنند: «أكلة الجبنه، في أي نظام قائم سيقامون أي محاولة للتغيير الجذري، لأن التغيير يعني القضاء على امتيازاتهم وزعامتهم وتهديد مصالحهم. وشكل المقاومة الذي يلجأ إليه قادة أي نظام وحماته هو الذي يقرّر في النتيجة أسلوب الثورة» (يوسف عواد، ۱۹۹۱: ۲۰۰). ترجمه (پنیرخورها، در هر رژیم موجودی، در برابر هرگونه تلاشی برای تغییر رادیکال مقاومت خواهند کرد، زیرا تغییر به معنای از بین بردن امتیازات و رهبری آنها و تهدید منافعشان است. شکل مقاومتی که رهبران هر رژیم و حامیان آن به آن متوسل می‌شوند، در نهایت مسیر انقلاب را تعیین می‌کند).

این عهدشکنی‌ها و ریاکاری‌ها در میان صفوف معترضان به حکومت شک و بی‌اعتمادی ایجاد می‌کند و باعث دلسردی آن‌ها و تقویت گفتمان حاکم می‌شود. در نتیجه آگاهی کاذب، با رسوخ به بدنه گفتمان انتقادی جامعه لبنان و فریب آن‌ها با وعده و عید، سرعت آگاهی طبقاتی در حال رشد را کند کرده و باعث می‌شود تغییرات و مطالبات مردم اجرایی نشود و آگاهی مردم به همان حالت اولیه، خام و غیرکاربردی و در حد تئوری برگردد.

در رمان سول ۱۸ افزون بر حکومت مستبد پهلوی، جیره‌خواران و مزدوران آن‌ها نیز به عنوان بخشی از آگاهی کاذب علیه آگاهی ممکن فعالیت می‌کنند. برخی از افراد ناهنجار جامعه که برای رسیدن به مطامع و منافع شخصی از هیچ کاری امتناع نمی‌کند، فریب وعده‌های حکومت می‌خورند و با گرفتن پول یا امکانات رفاهی به آزار و شکنجه زندانیان سیاسی می‌پردازند و به حکومت خوش‌خدمتی کرده و به تثبیت جایگاه حکومت و افزایش قدرت آن کمک می‌کنند: «مادر بزرگ گفت: تو را به علی پسر جان اینها کی هستند مردم را می‌زنند و می‌کشند؟ نگهبان با تعجب مادر بزرگ را نگاه کرد و گفت: کی هستند؟ یک مشت لات بی‌پدر و مادر. یک مشت چاقوکش. یک مشت بچه‌باز منحرف. بیشترشان عرق خور و تریاکی هستند. نمی‌دانی چه حقوق‌هایی می‌گیرند. انواع قرص‌ها و ویتامین‌ها. بهترین خانه‌ها. بهترین ماشین‌ها. روزی چند نفر را هم می‌کشند و اضافه حقوق هم بابت آن می‌گیرند» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۶۶).

خیانت این افراد به مردم باعث می‌شود که مبارزان سیاسی آزرده خاطر شوند، زیرا آن‌ها با گذشتن از جان و مال خود برای آزادی وطن و تغییر شرایط نامساعد کنونی مبارزه کرده و سختی‌ها و رنج‌های زیادی را تحمل می‌کنند، ولی هم‌وطنان آن‌ها به خاطر منفعت شخصی در جبهه دشمن قرار گرفته و در جنایت‌های آن همدست می‌شوند. این گروه‌های فشار به عنوان بخشی از بدنه آگاهی کاذب در تاریخ سیاسی معاصر ایران بارها باعث سرکوب نهضت‌های مردمی و به تعویق افتادن پیروزی انقلاب‌های مردمی شده‌اند.

افزون بر خائنان و منفعت‌طلبان داخلی، خود حکومت و گروه‌های فشار وابسته به آن نیز در چارچوب آگاهی کاذب در لبنان حرکت می‌کند. حکومت پس از تسلط بر مناصب اداری و نظامی، نقش مردم در انتخاب سرنوشت خود و کشورشان را نادیده گرفته و هرگونه مطالبه‌گری، اعتراضی و تلاش برای اصلاح و تغییر را دشمنی علیه حکومت می‌داند و به شدت اعتراضات مردمی را سرکوب می‌کند: «جريح يقع. آخر ججزه جندیان. ثالث يمسح الدم عن وجهه... ثم بدا لها أنّ الهرج والمرج قد أخذ في الزوال، وشيئاً فشيئاً هدأ الحال ... الساحة تخلو. الطلاب يتفرقون، العسكر يركبون سياراتهم وينصرفون، لم يبقَ منهم إلا أفراد قلائل، انتصب بعضهم في ناحية، وتمشّى بعضهم في ناحية جينة وذهاباً» (يوسف عواد، ۱۹۹۱: ۲۲-۲۳). ترجمه (یک مرد زخمی می‌افتد. دو سرباز دیگری را روی زمین می‌کشند. سومی خون را از صورتش پاک می‌کند... سپس به نظرش رسید که آشفتگی شروع به فروکش کرده است و کم‌کم اوضاع آرام شد... میدان داشت خالی می‌شد. دانش‌آموزان پراکنده می‌شدند، سربازان سوار ماشین‌هایشان می‌شدند و می‌رفتند، فقط چند نفر باقی مانده بودند، بعضی از آنها در یک جهت ایستاده بودند، بعضی در جهت دیگر قدم می‌زدند).

آگاهی کاذب در رمان طواحين بیروت تنها از لحاظ نرم‌افزاری و فریب افکار عمومی برای منحرف کردن حرکت‌های اعتراضی عمل نمی‌کند، بلکه از لحاظ سخت‌افزاری نیز به مقابله با جنبش‌های مردمی می‌پردازد و با برخورد‌های نظامی و بازداشت، شکنجه، زخمی‌کردن و کشتن معترضان، صدای عدالت‌خواهی مردم خاموش کرده و با ایجاد ترس و اضطراب در جامعه، روحیه مبارزان و معترضان را ضعیف کرده و مبارزه با معترضان را فرسایشی و زمان‌بر کرده و انگیزه آن‌ها برای تغییر ساختارهای جامعه و رسیدن به روش مدیریتی کارآمد و مردم‌گرا تضعیف می‌کند و آگاهی طبقاتی روند نزولی به خود می‌گیرد.

آگاهی کاذب در رمان سلول ۱۸ نیز از همان آغاز رمان تا پایانش در تقابل با آگاهی ممکن قرار می‌گیرد و از انواع راه‌ها برای منحرف کردن مسیر آگاهی ممکن و سرکوب جنبش مردمی استفاده می‌کند و با زندانی کردن و شکنجه معترضان از اقشار مختلف جامعه فضایی ملتهب،

خفقان آور و غیرقابل تحمل را برای مبارزان ایجاد می‌کند و به شکلی سخت‌افزاری روند پیروزی انقلاب مردمی و تغییر حکومت و ساختار سیاسی ایران را به تأخیر می‌اندازد: «از همه گروهی می‌گرفتند. معلم، دانشجو، طلبه، کارگر، راننده، زن و مرد. همه جور می‌آوردند. کتک می‌زدند و در سلول‌ها می‌انباشتند» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۱۰۱).

این رویکرد خشن، بار روانی منفی برای قیام مردمی ایجاد می‌کند و حکومت با بی‌رحمی و تهدید و ارباب تلاش می‌کند تا از شور و شوق انقلابی مبارزان بکاهد و آن‌ها را خواسته‌های اصاح‌جویانه خود دور کند و یأس و حس شکست را به آن‌ها انتقال دهد و مانع از تحقق آگاهی ممکن در جامعه ایران شوند و موجودیت حکومت پهلوی را تثبیت کنند و استبداد را در ایران هژمونیک و نهادینه کنند. لذا این رفتارهای خشن در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی باعث شد که روند پیروزی انقلاب به تعویق بیافتد.

یکی از پیام‌های مهمی که مخاطب می‌تواند از رمان طواحین بیروت بگیرد این است که رژیم اشغالگر اسرائیل افزون بر خوی وحشیانه‌اش، مودی و مکار نیز هست و با سوء استفاده از آشوب داخلی و نبود همدلی میان طبقات جامعه لبنان در سطوح مختلف آن نفوذ کرده و آن‌ها را با سیاست‌ها و شیوه‌های مختلف به خود جذب کرده و آن‌ها را در خدمت منافع خود بکار می‌گیرد و علیه آگاهی طبقاتی در حال رشد در لبنان تحریک کرده و همچنین با دور کردن جوانان لبنانی از فرهنگ شرقی-عربی خود، آن‌ها را تبدیل به افرادی منفعل و بیگانه‌پرست کرده و اهداف توسعه‌طلبانه خود را تحقق می‌بخشد: «أصابع أجنبية. لا مسلم لا مسيحي. إسرائيل لا تفرق بيننا. -إسرائيل ومعها ألف عزرائيل: الزعماء ومأربهم ونكاياتهم. يتناحرون فيما بينهم واليهود على الحدود. -أين هو الجيل الجديد؟ بالسينمات والستريوهات. إلى أين نروح مع جيل الهيبى؟ - والميني جيب!» (یوسف عواد، ۱۹۹۱: ۲۰). ترجمه (انگشتان خارجی. نه مسلمان، نه مسیحی. اسرائیل بین ما فرقی نمی‌گذارد. - اسرائیل و به همراه آن هزار عزرائیل: رهبران و اهداف و کینه‌هایشان. آنها در مرز با خود و یهودیان می‌جنگند. - نسل جدید کجاست؟ در سینماها و استریوها. با نسل هیپی به کجا می‌رویم؟ - و مینی جیب!).

اسرائیل به عنوان سرسخت‌ترین دشمن خارجی لبنان همیشه به آن به عنوان یکی از اهداف توسعه‌طلبانه خود برای تشکیل سرزمین توهمی اسرائیل بزرگ نگاه می‌کند و برای منحرف کردن آگاهی طبقاتی مردم لبنان تلاش می‌کند، زیرا می‌داند که اگر آگاهی آن‌ها نسبت به جنایت‌های آن بیشتر شود، طبقات مختلف جامعه به یک وحدت نظر و اجماع رسیده و برای مقابله با این دشمن فریبکار و اشغالگر تلاش می‌کنند، لذا با منحرف کردن بسیاری از لبنانی‌ها از مسیر حق‌طلبی و یکپارچگی، آگاهی ممکن را تضعیف می‌کند.

در رمان سلول ۱۸ همچون رمان طواحین بیروت، آگاهی کاذب در قالب دو نیروی متخاصم داخلی و خارجی نمود می‌یابد. حکومت پهلوی برای تثبیت قدرت خود از جهان غرب و امپریالیسم به‌ویژه آمریکا کمک می‌گرفت و آمریکا در بسیاری از دوره‌های حساس با پشتیبانی از حکومت مستبد پهلوی مانع از تحقق اهداف انقلاب مردمی ایران می‌شد و با دادن تسلیحات نظامی و کمک‌های اطلاعاتی به حکومت، فعالان سیاسی را سرکوب و اذیت می‌کردند. نصرت به عنوان نمادی از آگاهی ممکن در جامعه ایران به نقش منفی آمریکا در منحرف کردن جنبش‌های مردمی در ایران اشاره می‌کند که این کمک‌ها باعث می‌شد که اهداف قیام مردمی تحقق نیابند: «نصرت با خجلت می‌پرسید: راستی نرگس خانم شما فکر می‌کنید که جوان‌هایی مثل شوهر تو بتوانند با این دولت در بیفتند و بتوانند این حکومتی را که آمریکا پشتیبانشه و تا دندان مسلح است به این زودی‌ها به زانو در بیاورند؟ بازوها را دیده‌ای؟ کسانی را که برای دستگیری شما آمده بودند تماشا کردی؟ دیدی که همه‌شان با پیشرفته‌ترین سلاح‌ها مجهز شده‌اند؟ همه نوع وسیله سرکوبی در اختیار دارند» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۹۸).

این دخالت‌های آمریکا در مسائل سیاسی و امنیتی ایران بیانگر عمق نگرانی او از شکل‌گیری انقلاب‌های مردمی است، زیرا آگاهی طبقاتی مردم ایران باعث می‌شود که آن‌ها از داشته‌های خود آگاهی یابند و خود را شایسته بهترین امکانات بدانند و منافع آن‌ها به خطر بیافتد و دسترسی آن‌ها به منابع نفتی و سرمایه‌های ملی را مختل کند و با سرکار آمدن حکومت مردمی ضد امپریالیسم مجبور به ترک ایران شوند. لذا آمریکا با حمایت‌های خود برای چندین بار در دوره‌های مختلف زمانی مانع از تحقق آگاهی ممکن و پیروزی انقلاب مردمی ایران شد.

نتیجه

رمان‌های طواحین بیروت و سلول ۱۸ رمان‌های سیاسی و اجتماعی هستند که سال‌های پراشتاب زندگی لبنانی‌ها در دوران جنگ با اسرائیل و تجربیات تلخ ایرانیان در دوران حکومت پهلوی را به تصویر می‌کشند که در این کشورها با وجود استبداد داخلی و دخالت بیگانگان و حضور نیروهای متخاصم خارجی، طبقات پایین‌دست جامعه از سطحی از آگاهی طبقاتی و شعور سیاسی برخوردار بودند؛ در آغاز این داستان‌های آگاهی شخصیت‌ها در حد یک آگاهی خام و اولیه از محیط پراشوب لبنان و ایران است که شخصیت‌ها با وجود آگاهی از مشکلات اجتماعی،

اقتصادی و ستم حکومت و خفقان حاکم بر جامعه، راهکاری برای حل این مشکلات ندارند و به خاطر تجربیات تلخی که نسل‌های پیشین آن‌ها در مواجهه با حکومت‌های استبدادی داشته‌اند و با تهدید و ارعاب حکومت و گروه‌های فشار متعلق به آن ترسانده و سرکوب شده‌اند، لذا آگاهی طبقاتی آن‌ها بیشتر در قالب بازیابی خاطرات گذشته و درک موقعیت کنونی جامعه بحران‌زده لبنان و ایران است و این آگاهی واقعی بیشتر در چارچوب ذهنی شخصیت‌ها و به شکل جملات توصیفی و در قالب گفتگوهای خصوصی میان افراد خانواده مثل گفتگوهای رعد رمزی با تیمه و هانی با تیمه در رمان طواحین بیروت و گفتگوهای کمال با پدر و مادر بزرگش و دیگر اعضای خانواده در رمان سلول ۱۸ تجلی می‌یابد. با سرعت گرفتن آهنگ روایت این داستان‌ها و پررنگ‌تر شدن اعتراضات مردمی و دگرپرسی شخصیت‌های داستان آگاهی طبقاتی از حالت واقعی و کنونی به سمت آگاهی ممکن تغییر جهت می‌دهد و شخصیت‌ها با نگاهی به آینده برای تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی کشورشان تلاش و مبارزه می‌کنند. در رمان طواحین بیروت تیمه تحت تأثیر اندیشه‌های انتقادی رمزی رعد و تحلیل‌های منطقی و رویکرد معتدل هانی نسبت به نقد حکومت و دوری از رویکرد مسلحانه به سیاست روی آورده و خود را در قبال جامعه و آینده کشورش مسئول می‌داند و خواهان تغییرات اساسی در ساختار مدیریتی کشورش است تا به پیشرفت و آبادانی در آینده برسد. از سوی دیگر شخصیت نرگس در رمان سلول ۱۸ نیز تحت تأثیر مرگ همسرش کمال و تفکرات انقلابی و آزادی‌خواهانه‌اش و همچنین سخنان نصرت زندانی سیاسی دچار تحول روحی شده و آگاهی طبقاتی او از حالت بالقوه و اولیه به آگاهی بالفعل و آرمان‌گرا تبدیل می‌شود و خود را متعهد به آگاسازی جامعه برای برچیده شدن نظام فاسد پهلوی و تربیت نسل آگاه برای کمک به پیشرفت ایران می‌داند. در این رمان‌ها آگاهی ممکن در جاهایی به مشکل برمی‌خورد و با موانع و مشکلات متعددی مواجه می‌شود و آگاهی کاذب در قالب دو جبهه داخلی و خارجی مانع از تحقق آگاهی ممکن در لبنان و ایران و اجرایی شدن آرمان‌ها و اهداف قیام‌های مردمی می‌شود. در رمان طواحین بیروت در جبهه داخلی حکومت مستبد با سرکوب اعتراضات مردمی و دامن زدن به اختلافات قومی و دینی میان طبقات اجتماعی مختلف لبنان تفرقه ایجاد می‌کند و همچنین خائنان داخلی با همدستی با حکومت باعث یأس و بدبینی معترضان می‌شوند. در جبهه خارجی نیز اسرائیل با حملات وحشیانه خود و جذب برخی از مزدوران داخلی مانع از پیروزی اعتراضات مردمی می‌شود. در رمان سلول ۱۸ نیز حکومت مستبد پهلوی با خلق فضای امنیتی، بازداشت و شکنجه فعالان مدنی و سیاسی و قتل آن‌ها و همچنین تطمیع و جذب افراد ناهنجار و شرور جامعه برای آزار مبارزان سیاسی، روند مبارزات سیاسی را برای مدتی با اختلال روبه‌رو می‌کرد و از سوی دیگر دخالت‌های کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا در امور داخلی ایران و حمایت تسلیحاتی از حکومت پهلوی مانع از رشد آگاهی طبقاتی در جامعه ایران می‌شود و انقلاب ایران را تا زمان پیروزی آن در سال ۵۷ به تعویق می‌اندازد.

منابع

- الأمین، بحری محمد (۲۰۰۵)، «رؤية العالم في ذاكرة الجسد»، مخطوط مذكرة ماجستير، قسم اللغة الأدبية، جامعة محمد خضير، بسكرة.
- ایگلتن، تری (۱۳۸۱)، درآمدی بر ایدئولوژی، ترجمه معصوم بیگی، تهران: آگه.
- حفشه، محمد ندیم (۱۹۹۷)، تأسیل النص، المنهج البنوي لدى لوسيان غولدمان، الطبعة الأولى، حلب: مركز الإنماء الحضاري.
- حمدان، ساهرة ياسين ۲۰۲۲، الادب المقارن في العالم العربي، مجلة لارك، ص: ۱۰، العدد ۲، المجلد ۱۴
- <https://doi.org/10.31185/lark.Vol3.Iss46.2589>
- درویشیان، علی اشرف (۱۴۰۰)، سلول ۱۸، چاپ پنجم، تهران: نگاه.
- راوودراد، اعظم (۱۳۹۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عبدالعظیم، صالح سلیمان (۱۹۹۸)، سوسیولوجیا الروایة السیاسیة، الطبعة الأولى، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- عصفور، جابر (۱۹۸۱)، قراءة في البنيوية التوليدية عن لوسيان جولدمان، الفصول، المجلد الأول، العدد ۲، صص ۸۴-۱۰۰.
- غولدمان، لوسیان، باسکاو، یون، لینه‌هارت، جاک، دوبوا، جاک، دوفینو، جان، هیندلس، ر (۱۹۸۱)، المنهجية في علم الاجتماع الأدبي، ترجمه مصطفى المنشاوي، الطبعة الأولى، بيروت: دار الحداثة.
- کوهن، آلون استانفورد (۱۳۸۵)، تنوری‌های انقلاب، ترجمه علیرضا طیب، چاپ پانزدهم، تهران: قومس.
- گلدمن، لوسین (۱۳۸۱)، جامعه، فرهنگ و ادبیات، ترجمه محمد جعفر پوینده، چاپ سوم، تهران: چشمه.
- (۱۳۸۲)، نقد تکوینی، ترجمه محمد غیاثی، تهران: نگاه.

-الموسى، أنور عبد الحميد (٢٠١١)، علم الاجتماع الأدبي (منهج سوسيولوجي في القراءة والنقد)، الطبعة الأولى، بيروت: دار النهضة العربية.
-يوسف عواد، توفيق (١٩٩١)، طواحين بيروت، الطبعة الخامسة، بيروت: مكتبة لبنان.

Endraswar, S. (2013). *Literary Research Methodology: (Epistemology, Models, Theories, and Applications)*, Yogyakarta: Widyatama Library.

References

- Abdel-Azim, Saleh Suleiman (1998), *The Sociology of the Political Novel*, 1st Edition, The Egyptian General Book Organization.
- Al-Amin, Bahri Muhammad (2005), *The Vision of the World in "Memory in the Flesh"*, Master's Thesis Manuscript, Department of Literary Language, Mohamed Khider University, Biskra.
- Al-Mousa, Anwar Abdul-Hamid (2011), *The Sociology of Literature: A Sociological Approach in Reading and Criticism*, 1st Edition, Beirut: Dar Al-Nahda Al-Arabiya.
- Asfour, Jaber (1981), *A Reading in the Genetic Structuralism of Lucien Goldmann*, Al-Fusul Journal, Vol. 1, No. 2, pp. 84–100.
- Cohen, Alvin Stanford (2006), *Theories of Revolution*, translated by Alireza Tayeb, 15th Edition, Tehran: Ghoomes Publishing.
- Darvishian, Ali Ashraf (2021), *Cell 18*, 5th Edition, Tehran: Negah Publishing.
- Eagleton, Terry (2002), *An Introduction to Ideology*, translated by Masoom Beigi, Tehran: Agah Publishing.
- Endraswar, S. (2013), *Literary Research Methodology: (Epistemology, Models, Theories, and Applications)*, Yogyakarta: Widyatama Library.
- Goldmann, Lucien; Pascavi, Yon; Linhart, Jacques; Dubois, Jacques; Dufino, Jean; Hindles, R. (1981), *Methodology in the Sociology of Literature*, Translated by Mustafa Al-Manshaw, 1st Edition, Beirut: Dar Al-Hadatha.
- Goldman, Lucien (2002), *Society, Culture, and Literature*, translated by Mohammad Jafar Pouyandeh, 3rd Edition, Tehran: Cheshmeh Publishing.
- Goldman, Lucien (2003), *Genetic Criticism*, translated by Mohammad Ghiathi, Tehran: Negah Publishing.
- Hafsha, Muhammad Nadim (1997), *Text Foundation: The Structuralist Method of Lucien Goldmann*, 1st Edition, Aleppo: Center for Civilizational Development.
- Hamdan, Sahara Yassin 2022, Comparative Literature in the Arab World, Lark Journal, Issue 2, Volume 14 <https://doi.org/10.31185/lark.Vol3.Iss46.2589>
- Ravadrad, Azam (2015), *Sociological Theories of Art and Literature*, 3rd Edition, Tehran: University of Tehran Press.
- Yousef Awad, Tawfiq (1991), *The Mills of Beirut*, 5th Edition, Beirut: Lebanon Library.